**انترناسیونال 755**

**محمد آسنگران**

**هشتم مارس سال ۲۰۱۸ در ایران از بسیاری جهات ویژه بود. یکی از ویژگیهایش عروج دختران خیابان انقلاب بود.**

**حجاب سوزان در راه است**

اگر کسی از هر شهروند ایرانی سوال کند هشتم مارس امسال چه ویژگی خاصی داشت؟ بدون شک پاسخ روشن اکثریت مردم ایران این خواهد بود که زنان وسیعا گفتند حجاب اجباری نمیخواهیم. مبارزه و اعترض علیه حجاب و اجبار پوشش اسلامی اوج گرفت و کلا حجاب و مدافعین آن مورد تعرض قرار گرفتند و کل حامیان این طوق اسلامی نه تنها زیر سوال بلکه حکومت و قوانین مدافع حجاب به چالش طلبیده شدند.

اما استارت این حرکت را قبل از هشت مارس (روز جهانی زن) دختران خیابان انقلاب زده بودند و حجاب بر سر چوب کردند. قبلتر هم تئوریها و نظریه های اسلامی، مردسالارانه، سنتی و محافظه کارانه و ... که میگفت حجاب مهم نیست و مانع گسترش این جنبش بود، نقد و بی اعتبار اعلام شده بودند.

هشت مارس امسال بیش از همیشه یک جنبش را برجسته کرد و آن جنبش برابری طلبانه زنان علیه حجاب و قوانین زن ستیز اسلامی بود. حجاب برگیران که خامنه ای آنرا اقدام تعدادی حقیر نامید با حقارت رژیم اسلامی همراه شد. این حقیقت را هیچکس نمیتواند انکار کند که زنان علیه حجاب، قهرمانان و پیشکسوتان جامعه هستند و حکومت اسلامی را به چالش طلبیدند. چنانچه آخوندهای حکومتی ناچار شدند در خطبه های نماز جمعه یک روز بعد از هشت مارس علیه زنان شجاع و مدرن عربده کشی کنند. گله آخوند را وسیعان به میدان فرستادند که مقابله با بی حجابی را اقدامی علیه خدا و پیغمبر اسلام و قرآن اعلام کنند و بر حفظ حجاب اجباری که یکی از پایه های حکومتشان است تاکید کردند. نعره کشیدند و توهین کردند و تهدید نمودند. اما زنان و مردان برابری طلب در ۳۹ سال گذشته این تهدیدها و نعره کشیدنهای نرینه های اسلامی را بارها دیده و شنیده اند و آنها را به سخره گرفته اند. این نعره های اخیر گله آخوند اما تنها تکرار گذشته نیست. اینبار زیر پای حکومت اسلامی داغ شده است. جمهوری اسلامی سرنوشت عقربی را پیدا کرده است که در وسط دایره آتش گیر افتاده و راهی بجز نیش زدن از جمله نیش زدن به خود و اطرافیانش پیش رو ندارد. اما این تقلاهای دم مرگ است و راه نجاتی ندارند.

طبق اخبار رسیده "یک خانم مسن در میان بازداشت‌شدگان مقابل وزارت کار بود که عصا به دست داشت. داخل بازداشتگاه روسری‌اش را درآورد و بر سر عصایش بست و عصا را بالا گرفت و همه‌ی بازداشت‌شدگان برایش دست زدند..." همین یک نمونه کافی است تا بگوییم جنبش برابری طلبانه زنان ایران در کنار جنبش عظیم کارگری که همزمان و دوش به دوش هم قدرتنمایی میکنند و حق خواهی جامعه را فریاد میکشند زیر پای رژیم اسلامی را داغ کرده اند. زنان حتی در بازداشتگاه هم حجاب را سر چوب میکنند این حقارتی است که به رژیم اسلامی تحمیل کرده اند.

هنگامیکه دختران جوان در متروی تهران سرود برابری میخوانند و در مقابل وزارت کار هم تعداد بسیار بیشتری حضور پیدا میکنند تا روز جهانی زن را گرامی بدارند رعشه مرگ بر تن رژیم اسلامی میاندازند. در کردستان و شمال و جنوب و شرق و غرب ایران و در اقصا نقاط کشور روز جهانی زن برجسته تر از همیشه خودنمایی کرد. در خارج کشور احزاب و جریانات و شخصیتهای سیاسی و مدافع حقوق انسانی زن افکار عمومی جهان را از وجود این جنبش عظیم در ایران مطلع کردند و با حمایت خود از جنبش برابری طلبانه زنان در روز هشت مارس با صدای رسا اعلام کردند قوانین اسلامی و حکومت اسلامی دون شان بشر است و باید گورش را گم کند.

حال میتوان بهتر قضاوت کرد آیا این زنان شجاع و حق طلب حقیرند یا خامنه ای و حکومتش؟ باید به این گله آخوند گفت شما حقیرید که با دزدی و فساد و کشتار و سرکوب بر قدرت تکیه زده اید، نه مردم حق طلبی که حقوق پایمال شده خود را میخواهند.

با این حال روشن است که حکومت اسلامی یارای مقاومت و خفه کردن این جنبش را ندارد. زنان ایران سالها است که قوانین اسلامی را یکی بعد از دیگر بی اعتبار کرده و زیر پا انداخته اند. آنچه امروز در قامتی بزرگتر و عریانتر از قبل دیده میشود فقط نوک کوه یخی است که در دریای جمعیت میلیونی عاصی از حکومت اسلامی در حرکت است.

با نگاهی به اعتراضات زنان برابری طلب در روز جهانی زن در ایران متوجه میشویم که امسال در ادامه جنبش سرنگونی طلبانه دی ماه علیه فقر با نقش محوری جنبش کارگری جنبش عظیم دیگری هم عروج کرد به اسم جنبش آزادی و رهایی زن. جنبش آزادی زن در ایران و در کشورهای اسلام زده بدون مقابله با قوانین و سنتهای اسلامی نمیتواند قدم از قدم بردارد. زنان ایران و همه انسانهای برابری طلب همین کار را کردند. اولین بروز اعتراض زنان در ایران علیه حجاب اجباری و اسلامی بعد از قدرت گیری خمینی از همان سال ۵۷ و ۵۸ آغاز شد. بنابر این مردم آزادیخواه ایران از روز اول قدرتگیری جمهوری اسلامی مقاومت و اعتراضشان در مقابل سنتها و قوانین اسلامی شروع شد. اما رژیم اسلامی در قدم اول با حمله به زنان برابری طلب شکست انقلاب مردم و تسلط جریانات اسلامی را رقم زد.

به دلیل تسلط فرهنگ و سیاست جنبش ملی اسلامی که آن زمان قدرت سیاسی را هم قبضه کرده بود زنان هم همانند بقیه مخالفین حکومت اسلامی با کشتار و سرکوب و نسل کشی مواجه شدند. در دل شکست انقلاب و کشتار انقلابیون چپ و آزادیخواه جنبش آزادی زن ناچار به عقب نشینی شد. متفکرین و سخنگویان جنبش ملی اسلامی در پوشش آخوند و فمینیسم اسلامی و اصلاح طلب و اصولگرا و.... به توجیه سرکوب نیروهای سرکوبگر پرداختند. اما جنبش آزادی زن که در دوران سرکوبهای خونین و نسل کشی اسلامی کمرش خم شده بود بعد از جنگ هشت ساله دوباره آهسته و پیوسته قد راست کرد و مقاومت و مبارزه را قدم به قدم سازمان داد و پیشروی کرد. تا جایی که اکنون با شجاعت کم نظیری حجاب برمیدارد و در مترو با خواندن سرود برابری به جامعه نهیب میزند که زنان به افتخار خودشان و مقاومتشان درود بفرستند و کف بزنند.

هنگامیکه علم‌الهدی امام جمعه مشهد میگوید: "برنامه اخیر برج میلاد نشان داد الگوی جامعه حضرت زهرا نیست بلکه «سوفیا لورن» است"، دارد شکست حکومت اسلامی را اعلام میکند. بله این آخوند مرتجع خوب متوجه شده است مردم و زنان ایران لااقل از بعداز انقلاب مشروطه هیچ وقت الگویش زنان مرتجح اسلامی نبوده است. آخوندهای کپک زده انگار تازه متوجه میشوند که الگوی زن مدرن و برابری طلب نمیتواند یک مرتجع اسلامی باشد.

مرتجعین اسلامی و آخوندهای از گور برخاسته باید بدانند جنبش برابری طلبانه زنان به جایی رسیده است که نمیتواند از همه موانع و قوانین اسلامی و سنتهایی مردسالارانه عبور نکند. در پس تحولات فکری و فرهنگی چند دهه گذشته جنبشی عروج کرده است که میتواند و باید با به آتش کشیدن حجاب به عنوان سمبل جنبش اسلام سیاسی یک قدم بزرگ دیگر به جلو بردارد. چهارشنبه سوری امسال میتواند روزی باشد که وسیعا حجابها را به آتش بکشیم و حجاب سوزان سازمان بدهیم.

زنده باد جنبش آزادی زن

زنده باد دختران خیابان انقلاب

پیش بسوی حجاب سوزان